

The political crime of arjaf in Islamic jurisprudence

Mansur Torkashvand*, Abbas Ali Heidary**

Mahmood Gauomzadeh***

Abstract

Since no comprehensive research has been done on the criminal policy of Islamic jurisprudence in the field of political crime of Arjaf, the purpose of this study is to examine the views of Islamic jurists on the criminal policy of Islam in relation to the political crime of Arjaf and this is the most important question: What: Islamic jurisprudence has taken measures for the political crime of Arjaf? Which has achieved the following results through the method of library collection and descriptive and analytical methods: Arjaf to the text of the Holy Quran, whether during war or otherwise, is forbidden. And it is considered a kind of political crime because it is an action against the government and the Infallible Imam (as). Therefore, in the society, it causes psychological warfare, endangering the social order and government, weakening the morale of individuals, etc., so the perpetrators of Arjaf are criminally responsible for the harm they inflict on the society and Muslims, and the Shari'ah punishes them with murder. Or he has condemned exile. Of course, this sentence is for those who are considered as examples of moharebeh

* PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Department of Theology, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran, mansur5925@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran (Corresponding Author), aa-heidari@iau-arak.ac.ir

*** Assistant Professor of Law, Islamic Azad University, Saveh Branch, Saveh, maarefteacher@yahoo.com

Date received: 24.12.2020, Date of acceptance: 02.05.2021



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

and fornication (limit punishment), and otherwise, due to the rule of ta'zir in all sins and the rule of ta'zir of the ruling will, the person deserves ta'zir.

Keywords: Arjaf, political crime, hadd, ta'zir, criminal policy of jurisprudence.

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام

منصور ترکشونند*

عباسعلی حیدری**، محمودقیوم زاده***

چکیده

از آن جا که در مورد سیاست کیفری فقه اسلام در زمینه جرم سیاسی ارجاف تحقیقی جامع و کامل صورت نگرفته است از این رو هدف در این تحقیق، بررسی نظرات فقهای اسلامی در مورد سیاست کیفری اسلام در قبال جرم سیاسی ارجاف است و مهمترین سوال این است که: فقه اسلامی چه تدابیری برای جرم سیاسی ارجاف اتخاذ کرده است؟ که با روش جمع آوری کتابخانه ای و روش توصیفی و تحلیلی به این نتایج دست یافته است: ارجاف به نص قرآن کریم چه در زمان جنگ و چه غیر از آن، حرام است و یک نوع جرم سیاسی محسوب می شود چون اقدام بر علیه حکومت و امام معصوم علیه السلام است. از این رو در جامعه باعث جنگ روانی، به مخاطره افتادن انتظام اجتماعی و حکومت، تضعیف روحیه افراد و ... می شود، لذا مرتکبین ارجاف به خاطر صدماتی که به جامعه و مسلمانان می رسانند مسئولیت کیفری دارند و شارع آنها را به مجازات قتل یا تبعید محکوم کرده است البته این حکم در مورد کسانی که از مصادیق محاربه و بغی محسوب شوند (مجازات

* دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران، mansur5925@gmail.com

** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)، aa-heidari@iau-arak.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساوه، ساوه، ایران، maarefteacher@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۱۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

حدی) و در غیر این صورت بخاطر قاعده التعزیر فی کل معصیه و قاعده التعزیر بید حاکم، شخص مستحق تعزیر است.

کلیدواژه‌ها: ارجاف، جرم سیاسی، حد، تعزیر، سیاست کیفری.

۱. مقدمه

یکی از مسائل مهم جامعه که برخی افراد آگاهانه یا از روی جهل به آن مبتلا هستند؛ شایعه پراکنی است که در فقه به عنوان ارجاف معروف است. شایعه، ترویج خبری ساختگی است که بر پایه بزرگ‌نمایی، رعب‌آفرینی و یا تحریف استوار است. در قرآن کریم، آیات متعددی وجود دارد که به مناسبت‌های مختلف به این مسئله پرداخته است و آن را مورد نکوهش، ارجاف و انذار قرار داده است.^۱ (نساء، ۸۳).

فقها این عمل را از گناهان محسوب می‌کنند و آن را از جرائم سیاسی می‌دانند و زمینه آن را به زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌دانند که بیشتر در زمان جنگ‌های مسلمانان رواج داشته است. برخی از مسلمانان جاهل و منافقان در هنگام اعزام مسلمانان به جنگ، شروع به پخش شایعاتی چون کشته شده پیامبر یا اسیر شدن ایشان پخش می‌کردند و برخی از مسلمانان زود باور نیز به این خبرها آشفته و ناراحت می‌شدند. لذا شکایت نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند. از این رو آیه ۶۰ احزاب نازل شد: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا»^۲.

از این رو فقها و علما با تکیه بر این آیه و احادیث وارد شده، در مورد جرم ارجاف احکام و فتوایی ارائه دادند. یعنی فقها و مفسران با توجه به آیه و سیره پیامبر (ص) احکامی ارائه کرده‌اند. ولی چیزی که به این موضوع اهمیت می‌دهد و ضرورت این تحقیق را افزایش داده است؛ در مورد مجازات مرجفین است که فقها در این مورد دیدگاه‌های مختلفی دارند و همچنین نوآوری این تحقیق در این است که ارجاف به عنوان یک جرم سیاسی محسوب می‌شود چون هدف از پخش چنین اراجیف و شایعات در جامعه، تأثیر نهادن بر افکار عمومی، ملی، جهانی و یا نوعی دستیابی به اهداف سیاسی، نظامی و یا اقتصادی در قلمرو کشور است و از طرف دیگر چون در این مورد تحقیق جامع و مبسوط صورت نگرفته است و این موضوع متناسب با بحث‌های روز است، لذا تحقیق در این مورد لازم و ضروری است و اهمیت آن را دوچندان کرده است.

لذا در این تحقیق سعی شده است که با روش توصیفی و تحلیلی و جمع آوری کتابخانه ای اولاً دلایل اثبات جرم سیاسی ارجاف تبیین شود و ثانیاً مجازات حدی یا تعزیری مرجفین مورد تبیین قرار می گیرد؛ هر چند در مورد احکام ارجاف تحقیقاتی به عمل آمده است ولی به صورت مفصل و جامع در این مورد بحث نکرده اند که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

سجاد ترکشوند مقاله ای با عنوان: «حکم ارجاف و جایگاه آن» در فصلنامه حصین حوزه ملایر به چاپ رسانده است و در نتیجه این تحقیق آورده است: ارجاف به نص قرآن کریم عملی حرام است زیرا باعث ضرر به مسلمین در جهاد یا دفاع می شود. و همچنین باعث خوف و اضطراب مسلمین می شود. ایشان در تحقیق صرفاً به حکم ارجاف و تطبیق آن با مسائل امروزی پرداخته است و در مورد جرم سیاسی آن و همچنین مجازات آن بحث خاصی ننموده است.

سمیه خانجانی آورزمان مقاله ای با عنوان: «مسئولیت کیفری مرجف» در سال ۱۳۹۷ نوشته است که در نتیجه گیری آورده است: ارجاف حرام است و مرتکبین آن مستحق مسئولیت کیفری هستند و به مجازات قتل یا تبعید محکوم می شوند. ایشان در این تحقیق فقط مجازات شخص مرجف را مورد بررسی قرار داده است و در مورد جرم سیاسی آن، بحثی اراده نداده است.

جمعی از مولفان در مجله پیام حوزه مقاله ای را آورده اند با عنوان: شایعه پراکنی در قرآن و روایات. ایشان در این مقاله شایعه پراکنی را به صورت کلی بحث کرده اند و به جرم سیاسی ارجاف و مجازات آن نپرداخته است.

چنان که مشاهده می شود این تحقیقات در مورد حکم کلی شایعه پراکنی یا حکم ارجاف و مسئولیت مرجف است ولی به بعد جرم سیاسی مرجف و مجازات حدی یا تعزیری آن، بحثی صورت نگرفته است. از این رو در این تحقیق علاوه بر استفاده از این تحقیقات و الگو گرفتن، ضعف این تحقیقات جبران می شود و جرم سیاسی ارجاف و همچنین مجازات آن بیان می شود. به عبارت دیگر جرم سیاسی ارجاف و مجازات آن در این تحقیق با توجه به آیات، روایات و نظرات علما به صورت بنیادی مورد بررسی قرار می گیرد تا به سوالات و ابهامات آن پاسخ داده شود.

۲. مفهوم شناسی

۱.۲ مفهوم جرم و جرم سیاسی

جرم با ضمه ی «جیم» از ریشه ی عربی است همچنین از جرم به ذنب، اثم، سیئه، عصیان و معصیت نیز تعبیر شده است (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۶، ص ۲۸؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۲؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۰۶۴؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۲، ص ۷۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۴۵). در مفردات راغب آمده است: «اصل جرم به فتح اول به معنی قطع ثمره از درخت است و به طور استعاره به گناه کردن جرم گفته‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۹۲).

جرم در اصطلاح با تعابیر مختلفی تعریف شده است که برخی از آنها را ذکر می نماییم:

- جرم در اصطلاح فقه عبارت است از هر نوع عملی که در شرع ممنوع، و دارای کیفر دنیوی، همچون حد، تعزیر، قصاص، دیه و کفاره و یا اخروی باشد. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۷۴).

- عده ای دیگر از فقها فرموده اند: «جرم امور ممنوع شرعی است، که خداوند به وسیله ی اجرای کیفر حد یا تعزیر مردم را از ارتکاب آن باز می دارد». (مارودی، ۱۴۲۹، ص ۲۱۱؛ فیض، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۷۰).

- برخی فقها جرم را فقط در ممنوعات شرعی که کیفر دنیوی دارند به کار برده و بقیه کارهای ممنوع را مصداق معصیت، خطیئه یا اثم دانسته اند. (ابن فراء، ۱۳۵۹، ص ۲۴۱).

در فقه اسلام به تعریف جرم سیاسی پرداخته نشده است و به مصادیق آن توجه شده ولی محققان و حقوق دانان تعاریفی از آن ذکر کرده اند:

برخی گفته اند: «بزه سیاسی آن است که بر ضد تشکیلات اساسی کشور یا بر ضد عملکرد آنها یا بر ضد حقوقی که بر حسب آن تشکیلات برای اهالی برقرار شده ارتکاب شود». (عمید زنجانی، ۱۳۸۶، صص ۵۵-۵۸) این تعریف قسمتی در مورد جرم سیاسی است و قسمت بعدی دلالتی بر جرم سیاسی ندارد.

برخی دیگر گفته اند:

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۳۱

جرم سیاسی عبارت است از اقدام مجرمانه ای که بدون اعمال خشونت توسط اشخاص حقیقی با انگیزه سیاسی و یا به وسیله گروه های سیاسی قانونی علیه نظام سیاسی مستقر و حاکمیت نظام جمهوری اسلامی ایران و با علیه حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان انجام گیرد مشروط به آنکه انگیزه ارتکاب آن منافع شخصی نباشد. (حسین نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۳)

این تعریف را نمی توان برای جرم سیاسی بر گزید چون احتمال خشونت و جنگ در جرم سیاسی وجود دارد.
برخی از حقوق دانان فرموده اند:

جرم سیاسی از فعل یا ترک فعلی که مطابق قوانین موضوعه قابل مجازات است هر گاه با انگیزه سیاسی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران و با حاکمیت دولت و یا مدیریت سیاسی کشور و یا علیه حقوق سیاسی و اجتماعی و آزادی های قانونی شهروندان انجام گیرد، مشروط به آنکه انگیزه ارتکاب آن منافع شخصی نباشد. (مدنی، ۱۳۹۵، صص ۲۴-۳۳).

تعریف جامعی که از جرم سیاسی از نظرات محققان می توان به دست آورد این است که جرم سیاسی جرمی است که علیه امام یا حاکم و یا حکومت اسلامی به هر انگیزه ای که باشد اطلاق می شود.

با توجه به این تعاریف می توان ملاک و ضابطه ی جرم سیاسی در چندین محور ذکر نمود:

- جرم ارتكابی به بنیان و اساس کشور یا امنیت عمومی لطمه وارد سازد.
- جرم ارتكابی علیه مصالح سیاسی کشور اتفاق افتاده باشد.
- جرم ارتكابی علیه حقوق سیاسی شهروندان انجام شده باشد.
- هدف جرم واژگون کردن نظام سیاسی- اجتماعی باشد.
- هدف از ارتكاب جرم، لطمه زدن به موقعیت قدرت سیاسی بوده باشد.
- موضوع جرم مستقیماً بر ضد حاکمیت انجام شده باشد.
- هدف از ارتكاب جرم کسب قدرت سیاسی باشد.

پس اگر کسی مرتکب جرمی شود و دارای یکی از ملاک و ضابطه های فوق باشد، مجرم سیاسی محسوب می شود. البته معمولاً در فقه کسی که با امام یا حکومت دشمنی کند و با او مخالفت کند، مجرم سیاسی محسوب می شود. از این رو می توان گفت: جرائم سیاسی در یک نگاه کلی به دو دسته تقسیم می شود: الف: جرائم سیاسی محض؛ ب: جرائم سیاسی غیر محض (نسبی). جرم سیاسی محض، جرائمی هستند که بر علیه حکومت ارتکاب می یابند نمونه ی بارز آن در فقه اسلام، بغات هستند.

جرائم سیاسی غیر محض به جرائمی اطلاق می شود که در اصل در زمره جرائم عادی و عمومی هستند ولی به گونه ای با جرائم سیاسی ارتباط دارند که این ارتباط موجب تعدد مادی یا معنوی جرائم می گردد؛ به عبارت دیگر به جرائمی اطلاق می گردد که ابتدا وصف سیاسی بودن آنها روشن نیست. (علی آبادی، بی تا، صص ۱۰۲-۱۲۵).

نمونه بارز این جرائم در فقه ارتداد و شایعه پراکنی است که در حالت عادی به عنوان جرم معمولی محسوب می شوند ولی اگر محدوده ی آنها زیاد شود در زمره جرائم سیاسی قرار می گیرند مثلاً گروه گروه از مردم مرتد شوند و از دین اسلام خارج شوند، نظام اسلام به خطر می افتد و پایه های آن را سست می کند و در مورد شایعه پراکنی نیز باید گفت: ذکر خبر های کاذب در جامعه مثل حمله دشمن با تمام قوا، باعث رعب و وحشت مردم می شود و ارکان نظام حکومتی را به لرزه در می آورد. لذا سیاست کیفری برای جلوگیری از این جرائم، مجازات سخت گیرانه ای تدابیر دیده است. پس جرم ارجاف در مرحله اول، جرم سیاسی نیست ولی اگر برای ضربه زدن به حکومت و نظام باشد؛ تبدیل به جرم سیاسی محض می شود.

بنابراین ارجاف امروزه به عنوان یک جرم سیاسی می توان تصور کرد البته اگر مرجعین به آثار و تبعات آن آگاهی نداشته باشند ولی اگر آگاهانه دست به پخش خبرهای های بی اساس برای اضطراب و تضعیف روحیه ی مسلمان باشد تا از جهاد و حمایت حکومت خوداری کنند و زمینه ی شکست حکومت فراهم شود، نمونه ی بارز جرم سیاسی است.

البته قابل ذکر است که ارجاف در فقه امامیه به عنوان جرم یا جرم سیاسی به کار نرفته است ولی با عنوان گناه و اثم به کار رفته است هر چند که ارجاف در فقه کمتر مورد توجه فقها قرار گرفته است از این رو برخی از مفسران به این عملکرد فقها اعتراض کرده اند و فرموده اند:

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۳۳

جامعه‌ی اسلامی همواره بزرگ‌ترین ضربه‌ها را از شایعه سازان خورده است، اما متأسفانه در کتب فقهی کمتر به این موضوع توجه شده و حتی یکی از مجتهدان که سال‌ها قاضی بود می‌گفت: من ۵۴ کتاب فقهی را گشتم و تحت عنوان «ارجاف» بابی را نیافتم. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۷، ص ۴۰۱).

با این وجود می‌توان گفت: ارجاف امروزه می‌تواند به عنوان یک جرم سیاسی محسوب شود البته در حقوق ایران در مورد این که ارجاف جرم سیاسی محسوب شود تاکنون به صراحت بیان شده است ولی با اطلاق‌گیری از اصل ۱۶۸ قانون اساسی و همچنین قوانین مطبوعات و هیات منصفه، ارجاف می‌تواند به عنوان جرم سیاسی محسوب شود.

مثلاً هیات منصفه برای تعیین جرم سیاسی، ماده یک قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ بیان کرده است که هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون چنان چه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد جرم سیاسی محسوب می‌شود. ماده ۲ نیز این موارد را ذکر نموده است که در مورد (هاء و ثاء) در مورد ارجاف و شایعه پراکنی است:

الف- توهین یا افتراء به رؤسای سه قوه،

ب- توهین به رئیس یا نماینده سیاسی کشور خارجی که در قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده است... .

پ- جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب... .

د- نقض آزادی‌های مشروع دیگران.

ه- ایراد تهمت، افتراء و شایعه پراکنی.

ت- جرائم مقرر در قوانین انتخابات خیرگان رهبری، ریاست جمهوری... .

ث- نشر اکاذیب.

چنان که مشاهده می‌شود در قوانین ایران نیز، ارجاف و شایعه پراکنی از زمره ی جرائم سیاسی محسوب شده‌اند.

۲.۲ مفهوم ارجاف

ارجاف از باب افعال است یعنی ارجف ارجف ارجاف؛ ارجاف در دین اسلام ممنوع است از این رو مرتکب آن، مجرم است و باید مجازات شود خود واژه ارجاف از ریشه رجف است: لرزیدن و لرزاندن می باشد. (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۸۹؛ قرشی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۵۷). در برخی کتاب ها آمده «رجفه رجفا: حرکت، رجف: تحرک و اضطراب شدید» (فیومی، بی تا، ج ۲، ص ۲۲۰؛ مصطفوی، ۱۴۰۲، ج ۴، ص ۶۶؛ حمیری، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۴۳۶).

راغب آن را اضطراب شدید معنا کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۴). دریا را رجاف گویند برای اضطراب و حرکت شدید موجها مثل قول شاعر: «حتى تغيب الشمس فی الرجاف»؛ تا آفتاب در دریا فرو رود. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۲۲). و مرجف به معنی اضطراب آور است و مراد از آن کسانی اند که با نشر دروغ مردم را مضطرب و ناراحت می کردند؛ «ارجف القوم» یعنی شروع بنشر اخبار و فتنه ها کردند تا مردم را به اضطراب آورند. اراجیف دروغهای وحشت آور است. (طریحی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۶۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۱۱۳).

ارجاف در اصطلاح با تعبیر گوناگون تعریف شده است لذا برخی از تعاریف مفسران و فقها را در این مورد بیان می شود:

در مورد ارجاف آیاتی وجود دارد که مفسران در ذیل این آیات، تعریف اصطلاحی ارجاف را ارائه کرده اند.

شیخ طوسی در مورد ارجاف آورده است: «فَالْإِرْجَافُ إِشَاعَةُ الْبَاطِلِ لِلْإِغْتِمَامِ بِهِ وَ الْمَرْجُفُونَ هُمُ الَّذِينَ كَانُوا يَطْرَحُونَ الْأَخْبَارَ الْكَاذِبَةَ بِمَا يَشْغَلُونَ بِه قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ» (بی تا، ج ۸، ص ۳۶۱). ارجاف یعنی اشاعه باطل برای ایجاد غم و نگرانی است و مرجفون کسانی بودند که اخبار کذب و باطل را مطرح می کردند تا قلب های مومنین را به خود مشغول کند. طبرسی فرموده است: الارجاف: شیوع دادن باطل برای مهموم ساختن و غمگین نمودن مردم. (۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۷۸).

برخی از علمای اهل سنت فرموده اند: «أصلُ الرَّجْفِ هُوَ الْحَرَكَةُ. فَإِذَا وَقَعَ خَبْرُ الْكِذْبِ فَإِنَّهُ يَقَعُ الْحَرَكَةُ بِالنَّاسِ فَسُمِّيَ إِرْجَافًا» (سمرقندی، ۱۴۱۶، ج ۳، ص ۷۳). اصل ارجاف از

رجف است و به معنای حرکت است پس زمانی که خبر کذب واقع شود در این صورت در میان مردم حرکت می کند پس به این خاطر ارجاف نامیده شده است.

علامه طباطبایی فرموده است: ارجاف به معنای اشاعه باطل، و در سایه آن استفاده‌های نامشروع بردن است، و یا حداقل مردم را دچار اضطراب کردن است. (۱۳۹۰، ج ۱۳، ص ۱۸۳).

برخی هم گفته اند: «إرجافٌ بِمَعْنَى بَثِّ الشَّائِعَاتِ الَّتِي تَهْزُ المَجْتَمَعُ، وَ «أَرَجِيفٌ» تُطْلَقُ عَلَى جُدُورِ الفِئْتِنِ وَالْوَقَائِعِ» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶، ج ۵، ص ۶۳). ارجاف یعنی منتشر کردن شایعاتی که جمع شدگان را به حرکت در می آورد و اراجیف بر ریشه های فتنه ها و حوادث اطلاق می شود.

در جای دیگر گفته است: «إِرْجَافٌ وَ هِيَ إِشَاعَةُ الأَبَاطِيلِ بِقَصْدِ إِيْذَاءِ الآخَرِينَ وَ إِحْزَانِهِمْ» (همان، ۱۴۲۸، ج ۴، ص ۸۰). ارجاف یعنی پراکنی باطل ها به قصد اذیت و نگرانی دیگران می باشد.

فقه‌ها نیز تعریفی از ارجاف به عمل آورده اند مثلاً علامه حلی در تعریف ارجاف آورده است: «آنها کسانی بودند که می گفتند مسلمین در جنگ ها هلاک می شوند و مدد و طاقتی برای آنها نیست چون کفار زیادند و قدرت زیادی دارند» (۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۷۰؛ همان، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۸۷؛ همان، بی تا، ج ۱، ص ۱۳۴).

بیشتر فقهای امامیه نیز همین تعریف ارجاف را برگزیده اند. (فخر المحققین، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۳۵۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۹، ص ۴۶۱؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۹؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۷۲).

برخی فقها هم گفته اند: «المرجف و هو الذی یذکر قوة المشرکین و کثرتهم» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۴۰۶). مرجف کسانی هستند که به ذکر قدرت و زیادی کفار می پردازند.

محققان و فقهای معاصر نیز تا حدودی ارجاف را تعریف کرده اند:

گفته شده است: «أرجاف» به معنای پراکندن شایعات بی اساسی است که جامعه را تکان می دهد، و «أراجیف» به ریشه های فتنه ها و آشوب ها گفته می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۷۰) و از آنجا که شایعات باطل ایجاد اضطراب عمومی می کند این واژه به آن اطلاق شده است. (همان، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۹؛ همان، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۳۵۱).

«ارجاف» به معنای اشاعه باطل به منظور ناراحت کردن دیگران و ایجاد اضطراب در آنان به سبب آن است. (جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۲۸۰). و مرجفون کسانی هستند که قلوب المؤمنین را می لرزانند و مضطرب می کنند و می ترسانند که لشکر کفر مسلط شدند و مسلمین، مجاهدین کشته و اسیر شدند و از همین باب است ارجاف و دروغهایی که باعث خوف دیگران می شود که از ماده رجفه بمعنی زلزله است و مرجف کسی را گویند که قلب دیگران را بلرزاند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۵۲۸).

برخی فرموده اند:

ارجاف در لغت به معنای ایجاد نگرانی شدید است و مراد از آن در فقه به پیروی از قرآن کریم، پخش اخبار دروغ به منظور تضعیف روحیه مسلمانان است مانند آن که کسی به دروغ از اجتماع کفار برای جنگ با مسلمانان خبر دهد. (شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۳۵۲؛ همان، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۴۲۸).

و باز آورده اند: «الْمُرْجُفُونَ» از «ارجاف»، به کسانی گفته می شود که با شایعه سازی، در جامعه اسلامی دلهره ایجاد می کنند. کسانی که به جبهه نمی رفتند، اما در شهر شایعه می کردند که مسلمین شکست خوردند و کفار پیروز شدند یا پیامبر اسلام شهید شد، آنان با این اقدام زشت سبب نگرانی مردم می شدند. (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۹، ص ۴۰۱؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ص ۱۶۰).

پس رجف در لغت به معنایی: لرزیدن، تحرک، اضطراب شدید، زلزله و ... به کار می رود. و ارجاف در اصطلاح یعنی شایعه کردن دروغ های بی اساس برای اضطراب و تضعیف روحیه ی مسلمان است تا از جهاد و حمایت حکومت خوداری کنند و زمینه ی شکست حکومت فراهم شود.

۳. مستندات جرم سیاسی ارجاف

جرم سیاسی بودن ارجاف را می توان از آیات فهمید:

قرآن کریم می فرماید: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». (آل عمران، ۱۴۴).

محمد(ص) فقط فرستاده خداست؛ و پیش از او، فرستادگان دیگری نیز بودند؛ آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب برمی گردید؟ (و اسلام را رها کرده به دوران جاهلیت و کفر بازگشت خواهید نمود؟) و هر کس به عقب باز گردد، هرگز به خدا ضرری نمی زند؛ و خداوند بزودی شاکران(و استقامت کنندگان) را پاداش خواهد داد.

در تفاسیر آمده است: در جنگ احد هنگامی که شایعه گردید محمد کشته شد. این شایعه موجب شادی و روحیه گرفتن کفار شد و جمعی از مسلمانان ضعیف‌الایمان پا به فرار گذاشتند. برخی به فکر گرفتن امان از ابوسفیان فرمانده کفار افتادند. در برابر این گروه، مسلمانانی با صدای بلند فریاد می زدند: اگر محمد هم نباشد راه محمد و خدای محمد باقی است، فرار نکنید. (شیخ طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۶؛ طبرسی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۸۵۰؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۹۸).

این آیه و شان نزولش در بیان است که نباید به شایعات توجه کرد و اگر کسی به شایعات توجه کند؛ زیان می کند.

قرآن کریم می فرماید: «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». (آل عمران، ۱۷۳).

اینها کسانی بودند که (بعضی از) مردم، به آنان گفتند: «مردم [لشکر دشمن] برای (حمله به) شما اجتماع کرده‌اند؛ از آنها بترسید!» اما این سخن، بر ایمانشان افزود؛ و گفتند: «خدا ما را کافی است؛ و او بهترین حامی ماست.»

عوامل تبلیغاتی دشمن و برخی از مردمان ساده اندیش و ترسو، به رزمندگان و مجاهدان تلقین و نصیحت می کنند که دشمن قوی است و کسی نمی تواند حریف آنان بشود، پس بهتر است درگیر جنگ نشوید. اما مسلمانان واقعی، بدون هیچ ترس و هراسی، با آرامش خاطر و با توکل به خداوند، به آنان پاسخ می گویند. (طباطبایی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۹۹، مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳۷؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۶۵۳) و یکی از حربه‌های دشمن در هنگام مقابله با مسلمانان، تبلیغات منفی و جنگ روانی است، که در صدر اسلام به صورت شایعه پراکنی و گفت و گو و پیغام رسانی بود و در عصر حاضر به وسیله‌ی ماهواره‌ها،

شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی، شبکه‌های اینترنت و روزنامه‌های وابسته. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۳۳۴).

آیه در صدد بیان عواقب شایعه پراکنی است و شایعه پراکنی از حربه‌های دشمنان می‌باشد و مومنین واقعی این شایعه پرامنی را نه باور می‌کنند و نه در صدد ترویج آن هستند. و آیه در حرمت شایعه پراکنی نیز می‌باشد.

در یکی از آیات قرآن کریم در مورد ارجاف آمده است و مفسران در این مورد نظراتی ارائه کرده اند:

قرآن کریم می‌فرماید: «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا مَلْعُونِينَ أَيْنَمَا تَقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا» (احزاب، ۶۰-۶۱).

اگر منافقان و بیماردلان و آنها که اخبار دروغ و شایعات بی‌اساس در مدینه پخش می‌کنند دست از کار خود بردارند، تو را بر ضد آنان می‌شورانیم، سپس جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در کنار تو در این شهر بمانند! و از همه جا طرد می‌شوند، و هر جا یافته شوند گرفته خواهند شد و به سختی به قتل خواهند رسید!

از لحن آیه چنین استفاده می‌شود که سه گروه در مدینه مشغول خرابکاری بودند، هر کدام به نحوی اغراض شوم خود را پیاده می‌کردند، و این به صورت یک برنامه و جریان در آمده بود و جنبه شخصی و فردی نداشت. نخست منافقین بودند که با توطئه‌های ضد اسلامی برای براندازی اسلام می‌کوشیدند. دوم اراذل و اوباش که قرآن از آنها تعبیر به بیماردلان کرده (الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ) و گروه سوم کسانی بودند که پخش شایعات در مدینه مخصوصاً به هنگامی که پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و ارتش اسلام به غزوات می‌رفتند به تضعیف روحیه بازماندگان می‌پرداختند، و خبرهای دروغین از شکست پیامبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) و مؤمنین می‌دادند، و به گفته بعضی از مفسران این گروه همان یهود بودند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱۷، ص ۴۲۹).

طبرسی فرموده: «مرجفون» کسانی بودند که در مدینه برای مضطرب کردن دل‌های مسلمانان خبرهای دروغ پخش می‌کردند و مخصوصاً درباره سرب‌های پیغمبر (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جنگهایی که خود حضرت در آن حضور نداشت، به دروغ می‌گفتند مسلمانان فرار کردند و کشته شدند. و اصل مرجف از ماده رجفه است که به معنای زلزله و

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۳۹

جنبش است. و چون خبر دروغ خبر غیر ثابت و متزلزل است، آن را رجفه گویند. (طبرسی، ۱۳۶۲، ج ۲۰، ص ۱۷۸).

مفسران مجازات مرجف را در چهار چیز خلاصه کرده اند: (طبرسی، ۱۳۶۲، ج ۸، ص ۵۸۱؛ طبری ۱۴۱۲، ج ۲۲، ص ۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۲۶۶؛ سید قطب، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۲۸۸).

۱- مورد لعن هستند.

۲- تبعید.

۳- دستگیری.

۴- قتل رساندن.

از نظرات مفسران نتایج ذیل به دست می آید:

۱- ارجاف کاری حرام است و مرتکب آن مستحق مجازات است. (قتل یا تبعید).

۲- هدف مرجفین تضعیف روحیه و اضطراب مسلمین، برای نابودی اسلام و پیروزی کفار.

۳- مجازات سخت مرجفین و شایعه پراکن ها.

پس می توان گفت: شایعه پراکنی و ارجاف از گناهان کبیره است و مرتکب آن باید تنبیه شود. لذا تنبیه و مجازات ارجاف و شایعه پراکن را باید از نظرات فقها بیرون آورد؛ هر چند که در آیه، حکم قتل و یا تبعید آنها آمده است.

۴. نظرات فقها در مورد حکم ارجاف

در مورد ارجاف می توان به چند مسئله اشاره کرد:

۱.۴ فقها با استناد به آیه، ارجاف را در زمان جنگ حرام می دانند

و فرموده اند: «لا إشکال و لا ریب فی حرمة الإرجاف بالمعنی المصطلح الخاص، إلا أن الحرمة لیست للإرجاف بعنوانه، بل لما فیہ من الإضرار بالمسلمین» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۱)؛

محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۳۸۹؛ و تشبیهت‌ها عن الجهاد أو الدفاع وإشاعة الخوف و الاضطراب فی قلوبهم ممّا یؤدی إلى ضعفهم أمام أعدائهم و هذا من أكبر الكبائر، بل قد يساوق الكفر و النفاق، من هنا شدّد القرآن الکریم فی لعن (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ص ۵۱۴)؛ المرجفین و أمر نبیّه صلی الله علیه و آله و سلم بنفیهم و مقاتلتهم». (شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۴۲۹).

از این نظریه چند چیز مستفاد می شود:

- ۱- ارجاف حرام است، زیرا باعث ضرر به مسلمین می شود در جهاد یا دفاع و همچنین باعث خوف و اضطراب مسلمین می شود.
- ۲- از بزرگ ترین گناهان است، بلکه مساوی کفر و نفاق است.
- ۳- قرآن کریم مرجفین را مورد لعن قرار داده و به پیامبر (ص) دستور داده که آنها را تبعید و با آنها بجنگد.

۲.۴ در زمان غیر جنگ هم، ارجاف حرام است

فقها فرموده اند: و أمّا حکم الإرجاف فی غیر حالة الحرب فأیضاً یکون محرّماً إذا انطبق علیه عنوان محرّم كالفتنة و الشقاق بین المؤمنین أو تضعیف الحكم الإسلامی، بل یکون محرّماً کلّما كان کذباً و باطلاً و إن لم یستلزم ضرراً علی المجتمع أو الدولة. (شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۹، ص ۴۳۱).

از این فتوا چند چیز مستفاد می شود:

- ۱- ارجاف در زمان صلح نیز حرام است و می تواند به عنوان فتنه و شقاق و یا تزیف حکومت اسلامی محسوب شود.
- ۲- این عمل کذب و باطل است هر چند مستلزم ضرری به مسلمانان نشود.

۳.۴ مرجف در صورت حضور در جنگ، دو حالت دارد

فقها فرموده اند: «لو خالف المرجف و خرج مع الناس للجهاد لم یسهم له و لا لفرسه من الغنیمه» (علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۱۹۱؛ همان، ۱۴۱۲، ج ۱۴، ص ۳۶۵) و لا یرضخ؛ لآنه لیس من المجاهدین بل هو عاصٍ و إن أظهر معونة المسلمین؛ لآنه أظهرها نفاقاً، و السهم

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۴۱

يَسْتَحِقُّهُ مَنْ يَعَاوَنَ الْمُسْلِمِينَ (شيخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷). و کذا لو قتل کافراً لم يستحقَّ سلبه» (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۵۱).

۱- اگر بترسد و در جهاد شرکت نکند هیچ سهمی از غنیمت ها ندارد. (شهید اول، ۱۴۱۰، ص ۸۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص ۱۹۴؛ حلی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۸۶). چون از مجاهدین محسوب نمی شود بلکه او عاصی محسوب می شود. دلیل این گفته را می توان از برخی آیات قرآن کریم استخراج کرد: (علامه حلی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۵۱).
«لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمْ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَاعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ». (توبه، ۴۷).

اگر آنها همراه شما (بسوی میدان جهاد) خارج می شدند، جز اضطراب و تردید، چیزی بر شما نمی افزودند؛ و بسرعت در بین شما به فتنه‌انگیزی (و ایجاد تفرقه و نفاق) می پرداختند؛ و در میان شما، افرادی (سست و ضعیف) هستند که به سخنان آنها کاملاً گوش فرامی دهند؛ و خداوند، ظالمان را می شناسد.

۲- اگر به مسلمین کمک کند، سهمی به او داده می شود چون کمک به مسلمین کرده است.

۵. مجازات ارجاف در فقه

فقها فرموده اند: «عقوبة الإرجاف إذا بلغ مرتبة إيجاد الفتنة و النفاق بين الأمة أو الوقوف بوجه القيادة الشرعية هو القتل و النفی (طبسی، ۱۴۲۰، ص ۳۵۷؛ همان، ۱۳۹۰، ص ۴۱۱)؛ لأنه نوع من البغی و المحاربة (شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۹۰)؛ و اضعاف الحكومة الإسلامية».

ارجاف اگر به مرتبه فتنه و نفاق میان مسلمین شود حکم آن قتل و تبعید مرجف است؛ زیرا عمل او مانند شورشی و محارب است و باعث ضعف حکومت اسلامی می شود. پس با توجه به مواردی که ذکر نمودیم، مرجف شایعه پراکنی نماید و تمام شرایط در او احراز شود، مسئولیت کیفری برای او ثابت می شود و باید مجازات شود. سوالی که در این جا پیش می آید این است که ارجاف موجب حد می شود یا موجب تعزیر. که برای جوابگویی باید موارد ذیل مورد بررسی قرار گیرند:

۱.۵ تعزیر

در باب تعزیر سه قاعده فقهی وجود دارد که باید مورد بررسی قرار گیرند:

الف- هر حرامی تعزیر دارد:^۳

این قاعده بیانگر آن است که هر حرامی در دین اسلام صورت گیرد، خاطی مستوجب تعزیر می شود. از این رو فقها معتقدند که: ترک هر یک از واجبات الهی، و ارتکاب هر کدام از گناهان تعزیر داردمشروط بر این که حد شرعی نداشته باشد. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ج ۸، ص ۶۹؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ ج ۳، ص ۵۳۵؛ ابوصلاح حلبی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۱۷). صاحب ریاض پیرامون ضرورت اجرای حدود و تعزیرات، و استدلال بر این مطلب، می فرماید: «و الاصل فیهما الكتاب و السنة و اجماع الامة». (طباطبایی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۵۹). قرآن مجید، روایات معصومین (علیهم السلام) و اجماع و اتفاق علمای مسلمین، سه دلیل محکم بر وجوب اجرای حدود و تعزیرات است.

با توجه به این قاعده و نظرات فقها می توان نتیجه ذیل را گرفت:

صغری: ارجاف و شایعه پراکنی طبق ادله حرام است.

کبری: تعزیر در هر معصیت و کار حرامی ثابت می شود.

نتیجه: ارجاف و شایعه پراکنی موجب تعزیر می شود.

پس با توجه به قاعده تعزیر و حرمت ارجاف و شایعه پراکنی می توان گفت: شخص مرجف به خاطر کار حرامش، مستحق تعزیر است. و دلیل آن را می توان از ادله ذیل پیدا کرد:

ب- تعزیر به دست حاکم

این قاعده می گوید در جرایم که موجب تعزیر می شوند حاکم مقدار و نوع تعزیر را انتخاب می کند: یعنی «التعزیر بید الحاکم» (ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۵۲۱). تعزیر به دست حاکم است.

۱- شیخ مفید در کتاب المقنعه می فرماید: «التعزیر بید الحاکم بما یراه من المصلحه». (شیخ مفید، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۷۷۷)؛ تعزیر به دست حاکم است که به مصلحت آن را اعمال می کند.

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۴۳

- ۲- علامه حلی در کتاب ارشادالاذهان می فرماید: «التعزیر بما یراه الامام». (علامه حلی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۱۷۹؛ همان، ۱۴۱۳، ج ۹، ص ۱۸۰)؛ تعزیر به صلاح دید امام است.
- ۳- علامه حلی در کتاب های دیگر خود فرموده است: «عزر بحسب ما یراه الامام». (همان، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۳۳۲؛ همان، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۸۲).
- ۴- محقق حلی در کتاب مختصرالنافع می فرماید: «التعزیر بید الحاکم» (محقق حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۷). تعزیر به دست حاکم است.

با توجه به نظرات فقها می توان فهمید که مقدار تعزیر بر عهده ی حاکم است و حاکم یا همان ائمه علیه السلام اند یا منصوبین توسط ایشان. و در مورد ارجاف می توان گفت: اولاً مقدار و نوع آن به دست حاکم است و ثانیاً حاکم می تواند آن را ببخشد.

ج-قاعده التعزیر دون الحد

قاعده تعزیر کمتر از حد، از معروف ترین قواعد فقهی است که کاربرد بسیاری در فقه جزایی اسلام دارد. عمده مستند آن، روایات است که به طرق گوناگون مفهوم قاعده از آنها قابل برداشت است. روایاتی به طور صریح می گویند که تعزیر کمتر از حد است. برخی روایات میزانی برای تعزیر مشخص می کنند و آن میزان را کمتر از حد قرار می دهند. برخی دیگر از احادیث، حدی را از جرمی نفی و در مقابل تعزیر را ثابت می کنند (هاشمی، ۱۳۸۸، مقاله شماره ۵۷، ص ۱).

حماد بن عثمان می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم اندازه تعزیر چقدر است؟ حضرت فرمودند: کمتر از حد. (حرعاملی، ۱۳۷۶، ج ۱۸، ص ۳۷۵).

ابن ادريس حلی در کتاب السرائر می فرماید: آن چه با اصول مذهب ما و روایات سازش دارد، آن است که تعزیر نباید به مقدار حد کامل که صد ضربه باشد، برسد، خواه جرم ارتكابی متناسب با زنا یا قذف باشد (ابن ادريس، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۶۶).

صاحب جواهر آورده است: تعزیر مطلقاً نباید به کمترین مقدار حد برسد. (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۴۴۸).

پس با توجه به مواردی که نقل نمودیم حاکم می تواند مرجف را کمتر از حدود شرعی بزند. و البته ممکن است ببخشد و او را عفو نماید.

خلاصه موارد فوق می توان این طور تعبیر کرد: مرجف یکی از گناهان کبیره است و شخص مرجف طبق قواعد فقهی باید تعزیر شود و مقدار و نوع آن به دست حاکم است که این تعزیر نباید بیش از حد باشد.

۲.۵ حد

شاید برخی به تعزیر مرجف اشکال کنند و بگویند مگر آیه حدی برای مرجف مشخص نکرده است پس چگونه ممکن است مجازات تعزیری شود؟

در جواب می توان گفت: درست است آیه تبعد و قتل را به ارجاف انحصار کرده است و در مورد شایعه پراکنی دلالتی ندارد؛ مگر این که بگوییم اطلاق دارد و تمام شایعه پراکنی و اراجیف را شامل می شود.

ما مطلق شایعه پراکنی ها را ذکر نمودیم که خاطی مستحق تعزیر است ولی شاید ارجاف از دایره ی شمول آن خارج شده باشد. یعنی در مورد ارجاف حد جاری می شود و در مورد شایعه پراکنی تعزیر اجرا می شود. البته این امر هم دچار اشکال می شود و وقتی ما باب های فقهی را نگاه می کنیم فقهای امامیه حدود را تعیین کرده اند و در مورد ارجاف حدی را تعیین نکرده اند.

ولی اگر طبق نظر برخی از فقها ارجاف را تحت یکی از مصادیق حدود مثل بغی و محاربه بیاوریم، در این صورت مشکل و ابهام حل می شود.

فقها فرموده اند: عقوبة الإرجاف إذا بلغ مرتبة إيجاد الفتنة و النفاق ... هو القتل و النفسی (طبسی، ۱۴۲۰، ص ۳۵۷)؛ لآنه نوع من البغی و المحاربة (شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۹۰)؛ و اضعاف الحكومة الإسلامية.

ارجاف اگر باعث فتنه و نفاق باشد مجازات قتل و نفی بلد دارد چون همانند بغا و محاربه محسوب می شود و باعث ضعف حکومت اسلامی می شود. و مستند این نظریه را می توان آیه ذیل دانست:

قرآن کریم می فرماید: « إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ». (مائده، ۳۳).

کیفر آنها که با خدا و پیامبرش به جنگ برمی خیزند، و اقدام به فساد در روی زمین می کنند، (و با تهدید اسلحه، به جان و مال و ناموس مردم حمله می برند)، فقط این است که اعدام شوند؛ یا به دار آویخته گردند؛ یا (چهار انگشت از) دست (راست) و پای (چپ) آنها، بعکس یکدیگر، بریده شود؛ و یا از سرزمین خود تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست؛ و در آخرت، مجازات عظیمی دارند.

۶. تاثیر ارجاف بر جامعه

امروزه کسانی که با یک مشت خرافات، دین اسلام را ناکارآمد معرفی می کنند و مردم را به دین های غیر از اسلام مثل یهودیت، مسیحیت یا زرتشتی و یا فرقه های ضاله دعوت می کنند در حکم مرجفین هستند. همچنین افرادی که با گفتن اراجیفی مثل اینکه هر کس مسلمانی را بکشد، و در آن حال بمیرد سر سفره پیامبر (ص) حاضر می شود در حکم مرجفین هستند یا به گروه های معاند اسلام مثل داعش دعوت می کنند در حکم مرجفین هستند. این گروه افراد باید از برخی حقوق های اجتماعی محروم شوند تا دست از کارهای خراب کارانه خود بردارند.

با توجه به نظرات گفته شده ارجاف در جامعه باعث موارد ذیل است:

- ۱- جنگ روانی و اضطراب و نگرانی یکی از میوه های تلخ شایعه در جامعه است.
- ۲- تشدید کینه ها، خصومت ها و تفرقه و تضاد در میان افراد.
- ۳- اوج گیری رذایل اخلاقی از جمله: اخلاق ناروای غیبت، دروغ، افتراء و ...
- ۴- روحیه بدخواهی و تقویت روحیه انتقام جوئی.
- ۵- حریم شکنی و نادیده گرفتن حرمت افراد و زیر پا رفتن بسیاری از مؤلفه ها و قوانین اخلاقی و اجتماعی.
- ۶- به مخاطره افتادن انتظام اجتماعی.
- ۷- تضعیف روحیه دگر دوستی، فداکاری و مؤلفه های اتحاد، یگانگی و حس اخوت.

۷. نتیجه گیری

طبق ادله، ارجاف و شایعه پراکنی یکی از گناهان محسوب می شود و از این عمل نهی شده است لذا انجام آن موجب فسق و حرمت آن عمل را به دنبال دارد و از گناهان کبیره محسوب می شود و همچنین با توجه به اصول و قواعد فقه اسلام، کسانی که بر علیه حکومت و نظام دست به تخریب، شایعه پراکنی و اتهام می زنند به عنوان مجرمین سیاسی محسوب می شوند و چون هدف از ارجاف و شایعه پراکنی، ضربه زدن به حکومت و نظام است لذا ارجاف نمونه ی بارز جرم سیاسی امروزه محسوب می شود و طبق ادله، اگر ارجاف باعث نفاق و فتنه شود؛ مرجف مستحق حد قتل و تبعید است و این مجازات بر اساس حکم محاربه، بغی و فساد در زمین است و اگر ارجاف باعث نفاق و فتنه نشود؛ طبق آیات و روایات مرجف و شایعه پراکن مستحق تعزیر هستند. البته طبق قواعد و اصول فقه، مرجف به صلاح دید حاکم مجازات می شود تا درس عبرتی برای دیگران شوند. به عبارت دیگر اگر جرم ارجاف به خاطر فساد در زمین و کمک به دشمن باشد، مرجف مستحق حد قتل و تبعید است ولی اگر شایعه پراکن و ارجاف به خاطر ترس بوده و نفاق و فتنه ای در آن نبوده باشد مستحق تعزیر می باشد آن هم به خاطر تنبیه و تادیب است.

پی نوشتها

۱. «وَ إِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَ لَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولَى الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا». و هنگامی که خبری از پیروزی یا شکست به آنها برسد، (بدون تحقیق)، آن را شایع می سازند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و پیشوایان-که قدرت تشخیص کافی دارند- بازگردانند، از ریشه های مسائل آگاه خواهند شد. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود، جز عده کمی، همگی از شیطان پیروی می کردید(و گمراه می شدید).

۲. اگر منافقان و کسانی که در قلبشان بیماری است و نیز کسانی که اخبار دروغ در مدینه پخش می کنند دست از کارشان بر ندارند ما تو را بر ضد آنان می شورانیم (و با یک حمله عمومی تو را بر آنها مسلط خواهیم ساخت) سپس جز مدت کوتاهی نمی توانند درکنار تو در این شهر بمانند.

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۴۷

۳. این قاعده با تعابیر مختلفی به کار رفته است: التعزیر فی کل معصیه یا به صورت التعزیر لکل محرم یا به صورت کل من فعل محرمّاً او ترک واجباً يعزرر و...: (تبریزی، ۱۴۱۷، ص ۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۲۱؛ همان، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۱۶۸).

کتاب‌نامه

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن اثیر، مبارک (۱۴۱۸ ق). *النهایة فی غریب الحدیث والأثر*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰ ه. ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، جلد ۳، چاپ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، قاضی عبد العزیز (۱۴۰۶ ق). *المهذب*، جلد ۲، چاپ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن فارس بن زکریا، احمد (۱۴۰۴ ق). *معجم مقاییس اللغة*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن فراء (۱۳۵۹). *احکام السلطانیة*، قاهره: بی نا.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه. ق). *لسان العرب*، جلد ۱، چاپ ۳، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- آلوسی، محمود (۱۴۱۵ ه. ق). *روح المعانی فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۱، چاپ ۱، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- تبریزی، جواد (۱۴۱۷ ق). *اسس الحدود و التعزیرات*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: دفتر مولف.
- جمعی از محققان در پژوهشگاه تحقیقات اسلامی (۱۴۲۸ ه. ق). *جهاد در آینه قرآن*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۷۶). *وسائل الشیعه*، جلد ۱۷، عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ ۱، تهران: اسلامیة.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ ق). *الفوائد الطوسیة*، در یک جلد، چاپ ۱، قم: چاپخانه علمیه.
- حسین نژاد، یاور (۱۳۸۰). *جرم سیاسی در فقه و حقوق ایران*، جلد ۱، چاپ ۱، بی جا، بی نا.
- حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ ه. ق). *انوار درخشان*، جلد ۱۳، چاپ ۲، تهران: لطفی.

- حلبی، ابوصلاح (۱۳۹۰). *الکافی فی الفقه*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- حلی، شمس‌الدین (۱۴۲۴ ه.ق). *معالم‌الدین فی فقه آل یاسین*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حمیری، نشوان بن سعید (۱۴۲۰ ه.ق). *شمس‌العلوم*، جلد ۲ و ۴، چاپ ۱، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، جلد ۱، چاپ ۱، لبنان: دار العلم.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). *تفسیر قرآن مهر*، جلد ۳، چاپ ۱، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- زبیدی، سید محمد مرتضی حسینی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، جلد ۱۲، چاپ ۱، بیروت: دار الفکر للطباعة.
- سمرقندی، محمد (بی تا). *تحفة الفقهاء*، بی جا: بی نا.
- سید قطب (۱۴۲۵ ه.ق). *فی ظلال القرآن*، جلد ۵، چاپ ۳۵، بیروت: دار الشروق.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۳ ه.ق). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت علیهم السلام*، ۱ و ۹، چاپ ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۳ق). *قراءات فقهیة معاصرة*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- شاهرودی، سید محمود هاشمی (۱۴۲۶ ه.ق). *فرهنگ فقه*، جلد ۳، چاپ ۱، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ ه.ق). *اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیة*، در یک جلد، چاپ ۱، بیروت: دار التراث - الدار الإسلامیة.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۹ ه.ق). *فوائد القواعد*، در یک جلد، چاپ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ق). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشّی - کلانتر)*، جلد ۲، چاپ ۱، قم: کتابفروشی داوری.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق). *المبسوط*، جلد ۸ و ۲۱، چاپ ۱، تهران: مرتضویه.

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۴۹

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*، جلد ۲ و ۸، چاپ ۱، بیروت: دار
إحياء التراث العربی.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان (۴۰۴ق). *المقنعه*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: نشر اسلامی.
- صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد (۴۱۴ق). *المحیط فی اللغة*، جلد ۷، چاپ ۱، بیروت: عالم الكتاب.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۵). *تفسیر المیزان*، ترجمه ی محمد باقر موسوی همدانی، جلد ۲، چاپ
۱، قم: اسلام.
- طباطبایی حائری، سید علی بن محمد (۱۴۱۸). *ریاض المسائل*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مؤسسه آل
البيت عليهم السلام.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ ه.ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۳، چاپ ۲، لبنان: مؤسسه
الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۲). *تفسیر مجمع البیان*، ترجمه ی گروه مترجمان، جلد ۸ و ۲۰، چاپ
۱، تهران: فراهانی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۸، چاپ ۳، تهران: ناصر
خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ه.ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۲۲، چاپ ۱، لبنان: دار
المعرفه.
- طبری، نجم الدین (۱۳۹۰). *النفی و التنزیب فی مصادر التشريع الإسلامی*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مرکز
تحقیقات نور.
- طبری، نجم الدین (۱۴۲۰ق). *موارد السجین فی النصوص و الفتاوی*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: حوزه علمیه
قم.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*، جلد ۵ و ۶، چاپ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، جلد ۱۰، چاپ ۱، تهران: اسلام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *تذکره الفقهاء*، چاپ ۱، قم: جامعه مدرسین.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، جلد ۱، قم: دفتر
انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء (ط - الحدیثه)*، جلد ۹، چاپ ۱، قم:
مؤسسه آل البيت عليهم السلام.

- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۰۸ق). *إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان*، جلد ۹، چاپ ۱، قم: مؤسسه ی اسماعیلیان.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). *مختلف الشیعه*، چاپ ۱، قم: حوزه ی علمیه ی قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ هـ ق). *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه*، چاپ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (بی تا). *تحریر الأحكام الشرعية علی مذهب الإمامیه (ط - القديمه)*، جلد ۱، چاپ ۱، مشهد: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۲ هـ ق). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، جلد ۱۴، چاپ ۱، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- علی آبادی، عبدالحسین (بی تا). *حقوق جنایی*، جلد ۱، چاپ ۱، تهران: فردوسی.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۶). *فقه سیاسی*، جلد ۱، چاپ ۱، تهران: امیر کبیر.
- فخر المحققین حلّی، محمد (۱۳۸۷ هـ ق). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- فیض، علیرضا (۱۳۸۵). *فقه مقارنه و تطبیق حقوق جزای عمومی اسلام*، چاپ ۱، تهران: صدرا.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا). *المصباح المنیر*، جلد ۲، چاپ ۱، قم: منشورات دارالرضی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*، جلد ۱، چاپ ۱ و ۷ و ۹، تهران: مرکز فرهنگی درسهای از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). *تفسیر احسن الحدیث*، جلد ۳، چاپ ۱، تهران: بعثت.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق). *قاموس قرآن*، جلد ۲، چاپ ۶، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- کاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالکی (۱۴۲۲ هـ ق). *کشف الغطاء عن مبهمات الشریعه الغراء*، جلد ۴، چاپ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- محقق حلّی، جعفر (۱۴۱۰ق). *مختصر النافع*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: حوزه ی علمیه قم.
- محقق حلّی، جعفر (۱۴۰۸ هـ ق). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، جلد ۳، چاپ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ هـ ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، جلد ۳، چاپ ۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- مدنی، جلال الدین (۱۳۹۵). *حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران*، جلد ۱، چاپ ۱، تهران: انتشارات سروش.

جرم سیاسی (ارجاف) در فقه اسلام (منصور ترکاشوند و دیگران) ۵۱

مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، جلد ۲ و ۴، چاپ ۱، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر.

مغنیه، محمدجواد (۱۳۷۸). *ترجمه تفسیر کاشف*، جلد ۲، چاپ ۱، قم: بوستان کتاب.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ ه.ق). *نفحات القرآن*، جلد ۵، چاپ ۱، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۸ ه.ق). *مختصر الامثل*، جلد ۵، قم: مدرسه الإمام علی بن أبی طالب (علیه السلام).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). *الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل*، جلد ۱، چاپ ۱، قم: مدرسه الإمام علی.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، جلد ۱۷، چاپ ۱۰، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، جلد ۲۱ و ۴۱، چاپ ۷، بیروت: دار إحياء التراث العربی.

هاشمی، سید محمد امین (۱۳۸۸). «*قاعده التعزیر دون الحد*»، فقه اهل بیت، شماره ۵۷.